



پرتونادری

نشست شماری از نماینده گان نهادهای جامعه مدنی، احزاب سیاسی، سازمانهای

حقوق بشر و خبرنگاران

در پیوند به کشف کورهای دسته جمعی در کشور

مقدمه:

می خواهم این گزارش را باسروده های از استادخلیل الله خلیلی آغاز کنم که سوگنامه بی است برای تمام بی گناهایی که در یک نیمه شب تاریک به خاک و خون کشیده شده اند :

کشند بشر را که سیاست این است
کردند جهان تبه که حکمت این است
در کسوت خیر خواهی نوع بشر
زادند چه فتنه ها مهارت این است

شهرت طلبی بی هنری دونی پند
کردن جهان را به جهنم مانند
صدبار زمین به خون مردم تر شد
تا نام فلان این فلان گشت بلند

شهرت طلبی چند به هم ساخته اند
چون گرگ گرسنه در جهان تاخته اند

کردند به زیر پا هزاران سرو دست
تا گردن شوم خود برافروخته اند

شهرت طلبان و دلبسته گان قدرت و آهن در سرزمین ما نیز چنین کرده اند . نیازی به برهانی نیست ؛ بلکه زمین خود با دلنتگی هرازگاهی درکابل، هرات ، بدخشان ، پکتیکا، کنر این جا و آن جای دیگر شگاف بر می دارد و مرده گانش را پس می دهد .
مثل آن است که گویی فروغ فرخزاد سالها پیش از این مصیبت سرزمین ما را و شاید مصیبت جهانی را که ما در آن نفس می کشیم در این چند جمله ء کوتاه سروده است :

آن گاه

خورشید سرد شد

وبرکت از زمین ها رفت

وسبزه ها در صحرا ها خشکیدند

و ماهیان در دریا ها خشکیدند

و خاک مرده گانش را

زان پس به خود نپذیرفت

بر ماشه های مسلسل روسی ، امریکایی یا
چنایی ... انبوه از جوانان را چنان سپیدارانی
بر خاک افکندند ، امروز نیز پنجه بر ماشه های
تفنگ نداشته باشند . چه معلوم که امروز با
دستان خون آلود و وجدان های تاریک و
آماسیده بر
اریکه ء
قدرت تکیه
زده اند !

هر چند پیدایی
گور های
دسته جمعی
در شهر های
گوناگون
کشور ؛ نشان
می دهد که در
سالهای پسین
چه در یای از
خون و آتش



هم اکنون چنین می نماید که زمین خون آلود
افغانستان ، آن صبر دیرینه را از دست داده
و آن همه سکوت سنگین را درهم شکسته و
خود به داد خواهی بر خاسته است و شاید هم
وجدان روشنفکرانهء افغانستان را و تاریخ را

به داد خواهی
فرا می خواند .
دیروز تهی
دستان بدخشان
بر سر گور
دسته جمعی
در دشت قرق
گریستند و اما
سیاسیون
خواستند از
عاطفه و اندوه
آنان پله کانی
بر بام منافع
حقیر سیاسی
خویش بر پا
دارند .

از وجب وجب این سرزمین گذشته است ، با
این حال گور دسته جمعی دردشت چمنله در
شمال غرب کابل از هم اکنون بحث ها و
موضوعگیری های گوناگون و حتی متضادی
را در میان احزاب سیاسی کشور بر انگیزته
است . از هم اکنون فرصت طلبان در تلاش

کسی اشک تمساح ریخت و کس دیگری
خواست تا از استخوان های پوسیده ء شهیدان
به گونه ء شلاقی بر ضد حریفان سیاسی خود
استفاده کند ، و تمام . چه معلوم ، آن پنجه های
پلیدی که دیروز در یک شب تاریک با فشاری

آنند تا هیاهوی سیاسی خود را در استخوان شکسته و شهیدان نیز بر دمند .
چه کسی یا چه گروهی این بنده گان خدا را در یک نیمه شب تاریک و هول انگیز از پای در افکنده است ؟

افغانستان را نشان می دهد . این امر جامعهء روشنفکری ، نهاد های جامعهء مدنی احزاب سیاسی، سازمانهای حقوق بشر در کشور را شدیداً تکان داده است .

تا کنون مشخص نشده است که گور دسته جمعی چمتله مربوط به کدام یک از حاکمیت ها در افغانستان است . با این حال چیزی که روشن است ، این است که قربانیان همه گان افراد بیگناه ملکی اند که قربانی قدرت طلبی جناح های در گیر ها در کشور شده اند .
پیدای چنین گور ها بی مردم افغانستان ، خانواده های قربانیان ، نهاد های مدنی، سازمانهای حقوق بشر، احزاب سیاسی ، روشنفکران ، دولت و جامعهء جهانی را به چالش بزرگی فرا می خواند .
این امر به داد خواهی گسترده بی نیازمند است . مجتمع جامعهء کندی افغانستان باور دارد که تحکیم صلح بدون تامین عدالت در کشور نمی تواند ممکن باشد .

حالا که زمین این گونه بی صبرانه شگاف بر می دارد و به داد خواهی بر می خیزد و از روی همه اندیشه ها و ایدیولوژی های حاکم در سالهای پسین در کشور پرده بر می اندازد ، جامعهء مدنی ، احزاب سیاسی و سازمانهای حقوق بشر افغانستان چه می توانند کرد !
آیا باید دهان گشوده و زمین را با تار مصلحت دموکراسی! دوخت و دوباره بر روی پیکر شهیدان خاک فراموشی ریخت و یا این که به فریاد خاموشانه و جمجمه ها پاسخ داد و به جستجو و شناسایی مجرمان جنگی رفت!
مجرمانی که شاید امروز سوار بر خنگ دموکراسی می خواهند هفت اقلیم خدا را در نوردند !

بادریغ تا
هنوز در
رابطه به
گور های
دسته جمعی
پیدا شده در
کشور بحث
و تحقیق
کارشناسانه
بی صورت
نگرفته
است . این
در حالی
است که
بدون یک



امر دیگری که
این اندوه را
دوچندان می
سازد این است
که این گور ها در
وضعیتی دهان
می گشایند که هم
اکنون همه روزه
انبوهی از زنان ،
کودکان ،
پیرمردان در
شهر ها و دهکده
های کشور به
وسیلهء گلوله
های دموکراسی

چنین تحقیقی نمی توان در جهت تامین عدالت گامی به پیش برداشت .

هرچند تا هنوز شمار دقیق گور های دسته جمعی در کشور معلوم نیست ، با این حال براساس گزارش های خبری موجودیت اضافه از هشتاد گور دسته جمعی در افغانستان تخمین زده می شود که از آن شمار موجودیت اضافه از پنجاه گور یقینی شده است .

به خاک و خون کشیده می شوند .
به گفتهء پیشوایان دموکراسی خونین اگر چنین کشتار هایی اشتباه است در آن صورت ، وقتی دموکراسی اشتباه می کند ، ما باید گورستانهای تازه بی داشته باشیم و هیچ کس حق ندارد بگوید که بالای چشم دوستان ما! ابروست .
پیدایی گور دسته جمعی در دشت چمتله یک بار دیگر ابعاد بزرگ استبداد ، خون ریزی و درنده خویی نظام های حاکم در چند دههء اخیر

تا هم اکنون دست کم ده گور دسته جمعی در ولایات هرات، کابل، بدخشان، کنر، پکتیکا و جاهای دیگر کشف شده است. اخیراً بخش آموزش های مدنی مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما) به روز پنج شنبه بیست و هشتم سرطان ۱۳۸۶ خورشیدی برابر با ۱۸ جولای ۲۰۰۷ میلادی با راه اندازی یک نشست مسالهء گور های دسته جمعی در کشور را با نماینده گان جامعه ء

مدنی، احزاب سیاسی، روشنفکران و خبرنگاران در میان گذاشت. در این نشست اضافه از پنجاه تن از نماینده گان نهاد های جامعهء مدنی، احزاب سیاسی، فعالان حقوق بشر؛ روشنفکران، خبرنگاران و شخصیت های اجتماعی - سیاسی و فرهنگی اشتراک داشتند و در ارتباط به موضوعات مطرح شده به بیان دیدگاههای خویش پرداختند.

دستور کار نشست:

- چه عوامل وانگیزه هایی سبب شده است تا نظام های سیاسی در افغانستان دست به کشتار دسته جمعی مردم بزنند؟

- حالا که زمین خود به شهادت بر خاسته، ما را و تاریخ را به داوری فرامی خواند، رسالت نهاد های مدنی، احزاب سیاسی روشنفکران و مردم افغانستان در این ارتباط چیست؟ این نشست به وسیله ء عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه ء مدنی افغانستان گرداننده گی می شد.

دیدگاه ها:

افزون بر این چنین نظامهای استحکام خود را نه در پستی بانی مردم؛ بلکه در جلب حمایت کشور های بیگانه جستجو می کردند. امین الحق مایل در ارتباط به پرسش دوم گفت که این حق و مسوولیت جامعهء مدنی است که در چنین مواردی صدای خود را بلند کند، برای آن که خاموش ماندن زمینه ء تکرار یک جنین جنایاتی را می تواند فراهم کند.

در این صورت این پرسش به میان می آید که با قاتلان چه باید کرد؟ آیا با نوع استدلال صلخواهانه می شود که جنایات آنها را نادیده گرفت؟ آیا می توان آنها را اجازه داد که همچنان در مقامات بلند دولتی تکیه بزنند؟

انجینر امین الحق مایل عضو هییت ریسه ء مجتمع جامعه ء مدنی افغانستان و کارمند کمیته ء سویدن برای افغانستان



این گور ها نشانگر جنایات نظام های گذشته در کشور است و اما این که چرا آنها دست به چنین جنایاتی زده اند، دلیل آن را می توان در این امر جستجو کرد که چنان نظامهایی بر خاسته از اراده ء مردم نبودند و بنیاد مردمی نداشتند. آنها خود را حاکم مردم می پنداشتند و به خود حق می دادند تا با مردم آن گونه رفتار نمایند که خود می خواهند.

دست دارد . باید دامنه بحث ها را گسترده تر ساخت ، بحث ها را باید همگانی ساخت . باید به مردم چنان آگاهی سیاسی داد تا تا در یک برنامه دادخواهی همه گانی سهم بگیرند .

اورزلا اشرف:

من از نسل جنگ هستم با صدای انفجار و صغیر گلوله و خبر مرگ و ویرانی بزرگ شده ام .

ما باور داریم که دیکتاتوری و نبود آزادی بیان عامل چنین کشتار های جمعی شده است . آن گونه که دیده شده است در گور های دسته جمعی شماری از قربانیان در حال نشسته جان داده اند . معلوم می شود که آنها را زنده به گور کرده اند .

باید هشیار بود و به کسی و گروهی اجازه نداد تا از این رویداد بهره برداری سیاسی کند . اورزلا گفت که او شاهد بوده است که کسانی حتی به دلیل شنیدن رادیو بی بی سی به زندان افکنده شده اند . در کشور مراکز متعدد قدرت وجود داشت . این امر فرهنگ گروگان گیری را به وجود آورد . گروگان گیر ها گاهی که خواسته های شان بر آورده نمی شد و یا هم به سبب انتقام جویی از جناح مخالف ، گروگان ها را به گونه دسته جمعی می کشتند .

این گور ها هر کدام شاهد چنان بیداد و خون ریزی است که شاید در کمتر کشوری تجربه شده باشد و نباید در برابر آن خاموش ماند .

هنوز صدای مردم خاموش است . این امر میتواند دو دلیل داشته باشد . نخست این که آنها به سبب نبود حاکمیت قانون می ترسند که اگر صدای اعتراض خود را بلند کنند ، شاید کشته شوند . دو دیگر این که آنها می اندیشند که شاید صدای اعتراض آنها نتواند پاسخی پیدا کند . آنها باور ندارند که به صدای آنها پاسخی داده شود .

مساله و دیگر این که این گور ها به گونه کارشناسانه کاوش نمی شوند ؛ بلکه به آن شیوه بی کاوش صورت می گیرد که می تواند علایم و شواهد را از میان بردارد .

در امر کاوش گور ها ظاهراً با نوع بی حرمتی به استخوانها شهیدان برخورد صورت می گیرد .

یقیناً که نه ؛ جامعه مدنی نباید خاموش بماند ؛ بلکه باید در همکاری با دولت و جامعه جهانی در امر شناسایی قاتلان سهم بگیرد و زمینه محاکمه آنها را بدون در نظر داشت هرگونه مقام و موقعیت آنها فراهم سازد .

مساله قابل توجه دیگر این که خانواده های قربانیان خود باید صدای اعتراض و دادخواهی خود را بلند کنند . جامعه مدنی در این ارتباط باید به آنها کمک کند . برای آن که اگر این صدا خاموش بماند در آن صورت دشوار خواهد بود که انتظار محاکمه قاتلان را داشته باشیم .

اجمل سهیل رییس حزب لیبرال افغانستان و معاون جبهه ملی دموکرات افغانستان



در نظام های دیکتاتوری دولت می کوشد تا دیدگاه ها و خواسته های خود را بر مردم تحمیل کند . نظام های دیکتاتوری در افغانستان نیز چنین کرده اند و آنگاه که با مخالفت مردم رو به رو می شدند به خشونت و سرکوب می پرداختند و چنین بود که مردم را به گونه دسته جمعی به کشتارگاهها می فرستادند .

او گفت کشف این گور ها انگیزه و سیاسی دارد . دولت مشغول بازی موش و گربه است و می خواهد به وسیله و چنین گور های دسته جمعی ، حریفان سیاسی خود را در درون دستگاه بترساند .

چنین گور هایی می تواند نشان دهنده و موجودیت مراکز گوناگون قدرت در سالهای اخیر باشد . آنها می گویند که در این گور ها خوابیده اند بیگانهانی اند که قربانی جنگ های قدرت شده اند . دولت اساساً به اصلاحات گسترده یی نیاز دارد و تا زمانی که چنین اصلاحاتی پیاده نشود به مشکل می توان تصور کرد که دولت بتواند چنین مسایل پیچیده یی را حل کند .

مردم انتظار دارند تا جنایتکاران شناسایی و محاکمه شوند . جنایتکاران معلو الحال باید به مجکمه و جنایات جنگی فرستاده شود .

در این ارتباط حزب لیبرال افغانستان و جبهه ملی دموکرات برنامه های مشخصی را روی

سخن آخر این که کمیون حقیقت یاب باید متشکل از چنان شخصیت‌های بیطرف باشد که ظرف سه دهه و گذشته در جنایات جنگی سهمی نداشته باشد. برای آن که عضویت افراد جنگی در کمیسیون می تواند مشروعیت آن را زیر پرسش قرار دهد و در آن صورت حقیقت پایمال خواهد شد.

سید جواد حسینی رییس حزب اسلامی افغانستان جوان

کشف گور های دسته جمعی بیانگر بیگناهی و بیچاره گی مردم و نشان دهنده سفاکی و جنابتکاری نظام های گذشته در کشور است. ما همه گان در رویای تحقق عدالت به سر می بریم و اما شواهد نشان می دهد که تا رسیدن به تحقق عدالت در کشور فاصله و بسیار دوری وجود دارد.

برای آن که همان هایی که که دیروز عدالت و آزادی را پایمال می کردند ، امروزه به تحقق عدالت برخاسته اند .

بسیار ساده می گویند که دیروز اشتباهاتی رخ داده است و امروز باید اشتباهات را اصلاح کرد .

پرسش این جاست آیا ناقضان عدالت و حقوق بشر می توانند عدالت را در کشور تامین کنند؟ دریغ این جاست که کوشش می شود حتی ازگور های دسته جمعی نیز بهره برداری سیاسی صورت گیرد. دولت پیوسته به گور های دسته جمعی از چشم انداز سیاست دیده و از آن استفاده و سیاسی می کند

اساساً این گور ها بنا بر دلیل امتیاز گیری کشف می شوند . در یک چنین دستگاهی چگونه می توان انتظار تحقق عدالت را داشت .

ما برای ساختن افغانستان به انقلاب اصلاحات نیاز دارد . اگر انقلاب اصلاحات به پیروزی برسد در آن صورت می توان به تحقق عدالت امید وار بود .

داکتر بکتاش رییس حزب ترقی ملی افغانستان

وضعیت نشان می دهد که هم اکنون نیز کشتار های جمعی در کشور ادامه دارد . همین روز

ها در ولسوالی گرشک ده ها تن به اثر بمباردمان کشته شده اند .

سیاست های جیوپولیتیک و مداخلات کشور ها ی همسایه دامنه جنایات در فغانستان را افزایش میدهد .

توسل به خشونت در امر رسیدن به قدرت سیاسی ،نبود حاکمیت قانون، تعدد مراکز قدرت و جنگ قدرت و موجودیت گروه های شبه نظامی می توانند از عوامل کشتار های گروهی در کشور باشند.

هم اکنون موجودیت گروه های ملیشایی و موجودیت سلاح خود می تواند زمینه ادامه و یک چنین جنایاتی را فراهم کند .

حزب ما باور دارد که بدون عدالت اجتماعی نمی توان به صلح پایدار دست یافت.

در این ارتباط پیشنهاد ماین است که کمیسیون حقیقت یاب باید از افرادی تشکیل شود که آنها در رویداد های جنگی سه دهه گذشته سهمی نداشته باشند.

باید با استفاده از شیوه های علمی عمر گور ها مشخص شود و برای مردم افغانستان گفته شود که این گور های دسته جمعی به کدام یک از نظام های سه دهه گذشته تعلق دارد.

جانایان باید شناسایی شوند و به وسیله و یک محکمه بیطرف و با صلاحیت محاکمه شوند.

قسیم اخگر مدیر مسوول روزنامه هشت صبح



در افغانستان تمامی حکومت ها ساختار قومی و قبیله یی داشته اند و این حکومت ها به قبیله و خاصی تعلق داشته اند . خشونت یکی از ویژه گیهای حکومت های قبیله یی است .

آن گاه که نظام قبیله یی با بنیادگرایی و استبداد کمونستی در می آمیزد فاجعه ابعاد گسترده تری پیدا کرد. نباید به دو جناح حاکم در پارلمان و کابینه اجازه داد که از موضوع به نفع خود استفاده کنند . برای آن که دولت کنون به مانند دولت های گذشته خواهان تحقق عدالت نیست.

در بدخشان گور دسته جمعی پیدا می شود و کرزی به آنم جا می روز البته نه برای

همدردی با مردم بدخشان ؛ بلکه برای تضعیف جبهه متحد ملی .

هم اکنون همه روزه ده ها تن کشته می شوند و خارجی ها بیدا می کنند ، شاید دولت کرزی با کشف این گور ها می خواهد رو پوشی بر جنایت های امروزین بیندازد .
امیدی به دولت نیست ؛ بلکه باید نهاد های جامعه مدنی و احزاب سیاسی به گونه ای یک نیروی فشار قوی عمل کرده و قضیه را پیگیری کنند .

دولت کنونی سرشت عدالتخواهانه ندارد ؛ بلکه سرشت قبیله یی دارد . کرزی پیوسته از مصلحت سخن می گوید .

هر دولتی میل به تمرکز قدرت دارد و این مردم اند که باید با فشار دولت را مجبور به اصلاحات سازند . با این همه باید کوشید تا هر امر عدالتخواهان رو به جلو باشد و شکل انتقام جویی به خود نگیرد .

محمد اکرام اندیشمند نویسنده و تجلیل گر مسایل سیاسی - اجتماعی

موجودیت دولت های ایدیولوژیک و قبیله یی در کشور ، وابسته گی آنها به دولت های بیگانه ، نبودن میکانیزم قدرت ، جامعه قبیلوی همواره عامل مصیبت های سیاسی - اجتماعی بزرگ در کشور شده است .

حکومت ها در افغانستان هیچگاهی نخواستند تا به نظرات مردم گوش دهند و یگانه چیزی که پیوسته در نزد دولت های افغانستان مطرح بوده است ، نگهداری قدرت است .

انها در جهت حفظ قدرت پیوسته به خشن ترین شیوه ها تا کشتار های جمعی دست زده اند .

درست است که نهاد های جامعه مدنی و سازمانهای حقوق بشر باید در جهت تامین عدالت کار کنند ، در برنامه عدالت انتقالی سهم شایسته و سازنده بگیرند ، مجرمان را شناسایی کنند و اما پرسش در این جاست که انسانهای وابسته به یک ایدیولوژی آیا می توانند در مورد مخالفان ایدیولوژیک خود با بیطرف و

انصاف داوری کنند ؟ بسیار دشوار به نظر می آید که چنین شود .

وقتی جامعه مدنی و نهاد های حقوق بشر در اختیار افراد وابسته به ایدیولوژی می افتد دیگر کمتر می توان به تامین عدالت به وسیله آن نهاد هایی باور مند بود . در عدالت انتقالی نیز چنین است . عدالت انتقالی نیز باید به وسیله آن نهاد ها و افراد بی طرف به پیش برده شود .

منیر مهربان خبرنگار

اندیشه های مستبدانه سبب اعمال مستبدانه می شود . در این صورت تقابل اندیشه نه سبب پیدایی جرقه حقیقت ؛ بلکه سبب کشتار می گردد .

در گذشته قاتلان فکر می کردند که به مردم خدمت می کنند . اساساً این همه جنایت در زیر چتر خدمت به مردم اجرا شده است ، اما آنها نمی دانستند که اشتباه اساسی در اندیشه های آنان است . برای آن که اندیشه های خشن نمی تواند سبب خوشبختی مردم گردد .

با دریغ امروز هم چه در جامعه مدنی و چه در جامعه سیاسی افغانستان افرادی با اندیشه های مستبدانه طالبانی قدرت دارند که می تواند از آنها به طالبان نکتایی پوش تعبیر کرد . چنین افرادی پیوسته خود را مدافع حقوق بشر جا می زنند در حالی که قاتلان مردم نمی توانند عدالت را تامین کنند !

جامعه مدنی وظیفه دارد تا جلو پیشرفت اندیشه های کاذب را بگیرد . افرادی با اندیشه های مستبدانه نباید در جامعه مدنی وجود داشته باشند .

حالا که زمان ، جامعه مدنی و روشنفکران افغانستان را در موقعیت دشواری قرار داده است ، جامعه مدنی باید مردم را به داد خواهی فرا خواند و خود را به چنان منبع با اعتباری بدل کند تا مردم بتوانند به ارائه اسناد ، مدارک و شواهد خود پردازند .

فضل الله وحیدی رییس اداره ء هم آهنگی سازمانهای افغانی

صلح خیر است ؛ اما نباید جنایت کار را فراموش کرد . اگر جلو جنایت گرفته نشود و

اگر جنایت کار به جزای خود نرسد در آن صورت صلحی هم نمی تواند به میان آید . من فکر می کنم جامعه مدنی افغانستان توان و جرأت آن را دارد تا در امر پیدا کردن مجرمان با دولت و نهاد های حقوقی و بشری کمک کند . جامعه مدنی باید چنین کاری را انجام دهد .

فرشید حکمیا ر از دفتر fccs

زامداران در افغانستان با تک تازی حکومت کرده اند و این تک گرایی نظام ها خود سبب ایجاد استبداد در کشور شده است . این در حالیست که کشور پیوسته به وسیله زورمندان جهانی نظارت و کنترل شده اند . چنین است که سیاسیون همواره یکدیگر را با خشونت نفی کرده اند روی همین دلیل است که مردم افغانستان چیزی به نام حزب و سیاست را دوست ندارند .

می توان گفت که وابسته گی به دولت های بیگانه خود سبب شده است تا دولت های افغانستان و مردان سیاسی در راه های نا صوابی به پیش کشیده شوند . اساساً برای رسیدن به عدالت باید نظام به ثبات سیاسی در کشور دست یافت . البته نه ثبات سیاسی دیکتاتورانه ؛ بلکه ثبات سیاسی دموکراتیک و متکی بر خواسته های مردمی که یک دولت مردمی واقعی آن را تضمین می کند ، نه چنان حکومتی که فعلاً ما داریم که گویا بر خاسته از انتخابات است! اما خود به قانون و حاکمیت قانون باورمند نیست .

حوریه مصدق رییس هراک

در گور های دسته جمعی کشف شده همه قربانیان افراد ملکی اند . هر دولت و گروهی که افراد ملکی را می کشد جنایتکار است . فاجعه بزرگتر این است که رییسان دولت ها در افغانستان پیوسته این حق را بر خود داده اند تا خون ملت را ببخشند . البته این تنها ملت است می تواند حق خود را ببخشد نه کسی دیگر . این یک امر



بسیار ظالمانه است که اگر دولت ها بخواهند تا حق مردم را ببخشند .

درست است که دولت های افغانستان در چند دهه پسین دولت های ایدیولوژیک بوده اند ؛ اما در هیچ ایدیولوژی انسان ها به کشتار و خون ریزی تشویق نشده اند . جستجوی و شناسایی قاتلان یک امر ضروری است . برای آن که خون این همه شهید را کسی بخشیده نمی تواند . رییس جمهور افغانستان نمی تواند حقوق مردم را ببخشد .

جانیان جنین کشتار های جمعی باید شناسایی و محاکمه شوند ، اما تا هنوز مردم در این ارتباط خاموش اند . باید پدران ، مادران و بازمانده گان شهیدان صدای داد خواهی خود را بلند کنند . نهاد های جامعه مدنی باید در این زمینه مردم را کمک نمایند .

فرید حسن زاده خبرنگار

درست است که گور های دسته جمعی بیان گر استبداد است که به وسیله دولت های گذشته و گروه های جنگی بر مردم افغانستان اعمال شده است ، بحق در این رابطه به نظر من ائتلاف وقت است . ما به گور های مردهگانمیبینیم ؛ اما به گور های جمعی زندهگان نگاه نمی کنیم . پرسش این جاست که ما چرا در ارتباط به وضعیت کنونی خاموشیم . ما نباید به گذشته بر گردیم و از وضعیت کنونی غافل بمانیم . برای آن که امروز جامعه خود به یک گورستان دسته جمعی بزرگ ابدل شده است .

باید وضعیت عمومی امروز را تشریح کرد تا بتوان بر مشکلات راه حلهایی پیدا کرد .

قیس دزداد از آرمان شهر

به بهانه بررسی وضعیت دیروز نباید از وضعیت امروز غافل ماند . باید وضعیت امروز و جریانهای را که شکل می گیرد شناسایی کرد . هنوز هم آهنگر میان نهادهای که در زمینه تامین عدالت کار می کنند بسیار اندک است . ایاتنها بحث روی گور های دسته جمعی می تواند ما را به هم نزدیک کند و یا

این که باید وضعی را که هم اکنون جریان دارد نیز در نظر داشته و بررسی کنیم .

امروز در بهسود به سبب حمله مسلحانه کوچی ها صد ها خانواده دهکده های خویش را ترک کرده اند. کوچی ها به خانه های مردم آتش زده اند و شماری از آنان را کشته اند .

در این ارتباط جامعه مدنی افغانستان چرا خاموش است؟

فضل احمد معنوی استاد پوهنتون کابل

درست است که حکومت های گذشته بر مردم

ظلم روا داشته اند ، آنها را به گونه دسته جمعی به خاک و خون کشیده اند ؛ اما حکومت کنونی آنها را در زیر خاک هم آرام نمی گذارد . چگونه گی کاوش گورهای دسته جمعی

به گونه که اسلام هدایت می دهد صورت نمی گیرد . چنین کاوشی شایسته ء مرده گان اسلام نیست . نباید با استخوان های مرده گان این گونه با بی حرمتی برخورد کرد. دولت باید به این امر توجه کند و نبش گور ها باید بر اساس هدایات اسلام صورت گیرد .

گذشته از این شیوه ء حفاری گور ها می تواند تاثرات نا گواری بر روان مردم و خانواده های قربانیان برجای گذارد.

عبدالرحمان هوتکی رییس سازمان حقوق بشر و حفظ محیط زیست افغانستان

جای خوشی است که جنبش فعالان حقوق بشر به یک قوت بدل می شود و به همینگونه رسیده گی به جنایات جنگی به یک اصل بدل شده است . برای آن که تا زمانی که به جنایات گذشته پرداخته نشود نمیتوان به حکومت قانون دست یافت . اما باید گفت که در طول تاریخ روشنفکران در افغانستان هیچ کاری که به نفع مردم افغانستان باشد انجام نداده اند . در جامعه ما همیشه در میان روشنفکران و مردم فاصله وجود داشته است . این فاصله را باید از میان برداشت .

باید پیامهای چنین نشست هایی برای مردم ، دولت و جامعه جهانی مشخص گردد.

در ارتباط به گور های دسته جمعی شماری بر این باور اند که با در نظر داشت وضعیت به وجود آمده و صلح نسبی باید از جنایات گذشته ، گذشت ؛ اما در مقابل شمار دیگری بر این نکته تاکید می کنند که بدون تامین عدالت نمی توان به صلح پایدار دست یافت. پیشنهاد من این است که از بحث های سیاسی بگذریم و بیشتر روی نتیجه گیری این نشست کار کنیم ، فاصله موجود در میان مردم و روشنفکران را از بین ببریم تا پیامی برای مردم افغانستان داشته باشیم .

واقف حکیمی مدیر مسوول هفته نامه ء مجاهد و سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان



باید از حقوق بشری دید مشترکی داشته باشیم . باید بتوانیم عدالت را با دید مشترک از حقوق بشری و انسانی تعریف کنیم . برای آن که حقوق بشر در فلسفه های گوناگون می تواند تعبیر گوناگون داشته باشد .

نخست از همه تامین عدالت به رعایت قانون نیازمند است . البته قوانین عدالت مند . تا زمانی که قانون رعایت نشود عدالتی نمی تواند به وجود آید. البته این جا هدف از قانونی است که متکی بر حقوق انسانی و خواست مردم باشد .

محمدی یکاوانگی

به سبب احترام به مرده گان نباید از تعقیب جانیان چشم پوشید. باید راه های عملی محاکمه ء جنایتکاران جستجو شود. قاتلان باید به محاکمه کشانیده شوند . در مقابل حق مردم هیچ گونه گذشتی نمی تواند به وجود آید . این قربانیان همان افراد ملکی و بی گناهی اند که به وسیله ء افراد نظامی به اسارت گرفته شده و بعداً به گونه دسته جمعی کشته شده اند و کشتن اسیر در هر فرهنگی جنایت است .

فوزیه ء کوفی نماینده ء مردم در پارلمان

طالبان در شمال کشور دست کم هشت هزار طالب دسگیر شدند . بعداً از این شمار سه هزار تن آنان رها شدند و سرنوشت پنج هزار تن دیگر تا هم اکنون معلوم نیست

بر اساس گزارش ها دریکی از کانتینر هایی که دست کم یم صدو پنجاه هزار تن طالب انتقال می شدند از میان آنها تنها ده تا پانزده تن آنان زنده ماند و دیگران به سبب کمبود هوا در کانتینر جان دادند .
چنین حوادثی در همین دوران صورت گرفته است .

غلام علی صارم مدیر مسوول مجلهء اعتصام

تطبیق عدالت یک امر ضروری است ؛ اما



باید میکانیزم تطبق آن را ایجاد کرد. در هر حال هدف تطبیق عدالت است و این امر به این مفهوم نیست که به خاطر رویداد های دیروز حوادث امروز نادیده گرفته شود و یا هم بر عکس برای رویداد های امروز از رویداد های دیروز چشم پوشی شود. تاریخ در بارهء انسانها در پیوند به اعمال آنها قضاوت می کند نه در ارتباط به اندیشهء آنها.

باید کمیسیون مستقلی جهت ایجا میکانیزم تطبیق عدالت ایجاد گردد. این کمیسیون باید راهکار های تطبیق عدالت را مشخص سازد.



یک چنین بحث ها و گفتگوهایی می تواند زمینه های اعتماد در میان روشنفکران و نهادهای مدنی و سازمانهای اجتماعی را گسترش دهد . ما نمی توانیم در برابر چنین رویدادهایی

خاموش بمانیم . وقتی می بینیم که در این گور های دسته جمعی انبوهی از مردمان بیگناه خوابیده اند ؛ باید به آن با نوع دید انسانی نگاه کنیم ، ان را یم فاجعهء انسانی تلقی کنیم و نباید با دید سیاسی به ان ببینیم و مساله را سیاسی بسازیم . نباید به گروه ها و احزاب سیاسی فرصت آن را داد تا از مساله به نفع خود بهره برداری کنند .

نباید قضیه را سیاسی ساخت ؛ بلکه باید به آن با دید تخصصی نگاه کرد .

قاضی القضاة پیشین افغانستان که رییس کمیسیون بررسی گور دسته جمعی دشت چمتله است همراه با اعضای کمیسیون با استخوان های شهیدان با نوع بیرحمی بر خورد می کنند

این کاوش ها اساساً روی اهداف سیاسی صورت می گیرد، در حالی که هم اکنون همه روزه دهها انسان بی گناه نیز کشته می شوند



وحید مزده تحلیلگر مسایل سیاسی - اجتماعی

کشتار جمعی همچنان وجود دارد. در زمان در هم کوبی نظام

نشرده دیدگاه‌ها و پیشنهادات:

- گور های دسته جمعی در کشور اگر در یک جهت بیانگر مظلومیت مردم بیگناه افغانستان است در جهت دیگر نشان می دهد که دولت های تمامیت خواه و ایدیولوژیک در کشور در جهت نگهداری قدرت از هیچ گونه استبداد و انسان کشی رویگردان نبوده اند .
- این گور های نشان می دهد که دولت های مستبد گذشته و گروه های جنگی تمامی ملت افغانستان را چنان گرو گانی در اختیار داشتند و هر بار که می خواستند می توانستند با سرنوشت و زنده گی آنها بازی کنند .
- گرچه هم اکنون ، هر روزه شماری از مردمان بیگناه افغانستان در اثر بمباردمان و حملات انتحاری به خاک و خون کشیده می شوند ؛ اما این امر نباید سبب سکوت و بی توجهی به جنایاتی شود که حاکمان قدرت در گذشته مرتکب شده اند .
- جهت دریافت دقیق عمر گور های دسته جمعی باید گروهی از کارشناسان استخدام گردند تا این امر روشن شود که چنین کشتار های دسته جمعی مشخصاً در دوران کدام یک از حاکمیت ها در افغانستان صورت است .
- گور ها باید به گونه کارشناسانه مورد کاوش قرار گیرد تا علایم و شواهد جرم از میان نرود .
- نهاد های مدنی ، احزاب سیاسی و روشنفکران افغانستان مکلفیت دارند تا در امر شناسایی مجرمان با دولت و سازمان های حقوق بشری همکاری کنند .
- نهاد های مدنی باید به خانواده های قربانیان کمک کند تا آنها با اعتماد به داد خواهی پرداخته و صدای خود را بلند سازند . برای آن که اگر مردم به داد خواهی نپردازند در آن صورت نمی توان جنایتکاران را به دادگاه فرستاد .
- دولت و پارلمان افغانستان حق آن را ندارند تا خون شهیدان را بر قاتلان بخشند ، بلکه این حق مردم است تا در زمینه تصمیم بگیرند .
- جنایتکاران باید شناسایی شوند . برای محاکمه آنها باید محکمه و ویژه ساخته شود . مجرمان شناسایی شده باید بدون در نظر داشت مقام شان به دادگاه فرستاده شوند .
- برای آن که صلح پایدار در کشور بدون تامین عدالت اجتماعی نمی تواند به وجود آید .
- کمیونی باید از نماینده گان نهاد های مدنی ، احزاب سیاسی ، سازمانهای حقوق بشر ایجاد گردد . این کمیسیون باید متشکل از چنان افرادی باشد که ظرف سه دهه گذشته به جنایات جنگی متهم نبوده و شامل جناح های جنگی نبوده باشند .
- کمیسیون نه تنها چگونه گی کاوشهای گور های دسته جمعی را از نظر اسلامی و مسلکی نظارت خواهد کرد ؛ بلکه در امر تحلیل شواهد و شناسایی جنایتکاران نیز همکاری خواهد کرد .

. گور های دسته جمعی در کشور بیانگر فاجعه و دوامدار انسانی ظرف چند دهه گذشته است ، بناً نباید به گروه ها، سازمانهای سیاسی و دولت فرصت داد تا از این رویداد استفاده و سیاسی کنند . به این مساله باید به مثابه و یک فاجعه انسانی نگاه کرد .

. هرچند کشف گور ها در این روز ها می تواند دلایل سیاسی داشته باشد و دولت می خواهد که از آنها در جهت تضعیف حریفان سیاسی خود استفاده کند و در جهت دیگر توجه مردم را از کشتار های که این روز های به وسیله و بمباردهاها هوایی صورت می می گیرد منحرف سازد ؛ ولی با این حال این امر نباید سبب آن شود که تعقیب جنایتکاران به فراموشی سپرده شود!

. جامعه مدنی باید بتواند که اعتماد مردم را در امر داد خواهی جلب کند و این امکان را به وجود آورد تا مردم خواستار محاکمه و جنایتکاران گردند .

. سخن آخرین که اشتراک کننده گان نحوه و کاوش های گور های دسته جمعی را با آموزش های اسلام هم آهنگ ندانسته و تاکید کردند که در اسلام طندهگان همان حرمتی را دارند که مرده گان و نباید با استخوان شهیدان به بی حرمتی برخورد شود . همچنان بر این نکته تاکید شد که کسی بدون اجازه دادگاه عالی (ستره محکمه) حق گشودن گور های دسته جمعی را ندارد .

این نشست به ساعت یک بعد از چاشت پایان یافت

دوم اسد ۱۳۸۶

مجتمع جامعه مدنی افغانستان

(مجما) شهر کابل